

# عدالت، اشتغال و امنیت اجتماعی

دکتر مسعود تقوایی\*

سیروس قنبری\*\*

## چکیده:

احساس امنیت، برآمده از تعادل میان مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد که مردمان احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و نظامی است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هر چه اصول آزادی، رقابت، مشارکت و شایسته‌سالاری بیشتر در جامعه‌ای حاکم باشد، توان آن جامعه برای جذب انسان‌ها، سرمایه‌ها، برپایی عدالت اجتماعی، نوآوری‌ها و ایجاد اشتغال بیشتر و در نتیجه شتاب رشد اقتصادی و رفاه مادی شهروندان بیشتر خواهد بود. بهبود سطح اشتغال و رفاه و عدالت اجتماعی حاصل مدیریت درست امور اقتصادی و توجه به اصول علم اقتصاد است. هر چند توسعه اقتصادی به معنای از میان رفتن مفاسد اجتماعی و انحرافات روحی و اخلاقی در جامعه نیست، ولی جامعه ثروتمند می‌تواند برای از میان بردن بی‌عدالتی‌ها و مفاسد اجتماعی سرمایه‌گذاری کند. ناتوانی در ایجاد اشتغال کافی در سنجش بارشد نیروی کار از ویژگی‌های اقتصاد ایران است که خود به کاهش امنیت اجتماعی دامن می‌زند. ریشه و خمیرمایه هر گونه امنیت، شکوفایی اقتصاد و افزایش دامنه اشتغال و عدالت است که تنها در پرتو امنیت اقتصادی و تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری به دست می‌آید. در این نوشتار، اثر اشتغال و عدالت اجتماعی و تولید کامل بر مؤلفه‌های «ارزشی- فرهنگی- سیاسی- اجتماعی» بررسی شده و این نتیجه به دست آمده است که اگر در جامعه‌ای این موارد کاهش یابد، مفاسد اجتماعی، نرخ بیکاری، نظم‌گریزی، ناآرامی‌های اجتماعی، اعتیاد و... گسترش خواهد یافت.

\* استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

## پیشگفتار

## ۱- اشتغال

## ۱-۱- اشتغال در کشورهای رو به توسعه

نرخ‌های بالای رشد جمعیت، همراه با «انفجار شهری‌نشینی» وضعی پدید آورده است که در آن نیروی کار در بیشتر کشورهای رو به توسعه با نرخی بسیار چشمگیر به رشد خود ادامه داده است. بنابراین در زمینه تقاضا، مشاغل کمتر از اندازه لازم پیش‌بینی شده است، در حالی که در زمینه عرضه، بسیاری از شهروندان در جستجوی مشاغل تازه برآمده‌اند و مهاجرت از روستا به شهر را افزایش داده‌اند که این، در جای خود، یکی از دلایل اصلی گسترش «بخش غیررسمی» شهری بوده است. (امری، ۱۹۸۹، ص ۱۰۸)

رویکردی که در برنامه جهانی اشتغال پذیرفته شده، بر این فرض استوار است که به منظور تأمین عدالت اجتماعی و امنیت داخلی کشورها، برداشتن گام‌های اساسی و جدی در راه از میان بردن تهیدستی و بیکاری، ایجاد تغییراتی عمده در ساختار اقتصادی و در بیشتر جنبه‌های سیاست‌های توسعه لازم است. بر سرهم باید پذیرفت که تحلیل نظام‌مندی درباره تأثیر کارکرد نظام اقتصادی جهان بر اشتغال، انجام نگرفته است. سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی، آثاری گسترده و ژرف بر ساخت و آینده‌رشد در کشورهای رو به

یکی از مسایل و مباحث در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی در جهان امروز، نبود چارچوب و الگوی نظری جامع و بهینه برای افزایش اشتغال، عدالت و امنیت اجتماعی در راستای تحلیل، تبیین و شناخت واقعیت‌های جامعه و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف‌ها و نیازهای جامعه انسانی است. این نیاز و ضرورت، در دهه‌های اخیر در کشورهای رو به توسعه به گونه‌ای که معضل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نمودار گشته است؛ زیرا چارچوب و الگوی توسعه پیشنهادی کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر نه تنها راهگشای مشکل توسعه اقتصادی-اجتماعی این کشورها نبوده است بلکه زمینه‌های نامطلوبی برای توسعه اقتصادی-اجتماعی فراهم ساخته و کمبود اشتغال و ضعف امنیت داخلی و نبود عدالت اجتماعی و اقتصادی بازتاب این الگوهای پیشنهادی بوده است.

از سوی دیگر، کشورهای رو به توسعه نیز از ارائه چارچوب و الگوی نظری متقن، واقع‌بینانه و مورد نیاز جامعه خود، به دلایل بسیار، بازمانده‌اند. بنابراین، برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در فضای غیر علمی، همراه با شک و تردیدها و بر پایه تجربه‌ها و گفته‌های افراد، پی‌ریزی می‌شود و سرانجام نیز نتیجه مطلوب و بهینه به بار نمی‌آورد.

پس از انقلاب اسلامی، مدیریت جامعه ما ضرورت در پیش گرفتن راهکاری نو در چارچوب الگوی نظری ویژه جامعه ایران را به خوبی دریافته است و در پی تهیه و تدوین آن برای تحلیل و تبیین مباحث و مسایل توسعه برآمده و برای برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی-اقتصادی تلاش‌هایی انجام داده است؛ اما شوربختانه تاکنون در این زمینه چنان که باید و شاید اقدامات علمی و عملی و جدی از سوی مسئولان اجرایی، اندیشمندان، پژوهشگران و دانشگاهیان انجام نگرفته است. جنگ تحمیلی و جنگ روانی برضد ایران نیز در به تأخیر افتادن حل این مسئله زیربنایی مؤثر بوده است.

امروزه، در مباحث و مسایل توسعه ایران، از اشتغال گرفته تا عدالت اجتماعی، امنیت، توسعه پایدار و... چنین خلأ و کمبودی آشکار دیده می‌شود. گام برداشتن در این راه و دستیابی به یک چارچوب و الگوی نظری نو با توجه به پیچیدگی‌های جامعه ایران، کاری بس دشوار و نیازمند تلاش عالمانه، مسئولانه و همکاری‌های همه‌جانبه.

○ هر چند توسعه اقتصادی به معنای از میان رفتن مفاسد اجتماعی و انحرافات روحی و اخلاقی در جامعه نیست، ولی جامعه ثروتمند می‌تواند برای از میان بردن بی‌عدالتی‌ها و مفاسد اجتماعی سرمایه‌گذاری کند. ناتوانی در ایجاد اشتغال کافی در سنجش بارشده نیروی کار از ویژگی‌های اقتصاد ایران است که خود به کاهش امنیت اجتماعی دامن می‌زند. ریشه و خمیرمایه هر گونه امنیت، شکوفایی اقتصاد و افزایش دامنه اشتغال و عدالت است که تنها در پرتو امنیت اقتصادی و تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری به دست می‌آید.

... از پیامدهای کمبود تولید و افزایش نرخ بیکاری است. در يك جامعه سالم، اشتغال سرچشمه اصلی درآمد فرد و خانواده او است. در يك جامعه سالم، حقوق و دستمزدها روز به روز سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می دهد و سهم اجاره، سود، بهره در آمد از محل دارایی های منقول که نشان از چگونگی توزیع ثروت و درآمد دارد، به نسبت اندک است. درآمد کارگران و کارمندان در سنجش بارشد نیازها و میزان افزایش قیمتها، باید سالانه و به گونه مطمئن افزایش یابد. بالا رفتن سطح زندگی و تأمین درآمد کافی، باید از اجزای درون ساخته نظام دستمزد و حقوق و پاداش باشد. نظام تأمین اشتغال و درآمد باید معطوف به تأمین درآمد و پوشش دادن نیازهای مادام العمر کارگر و کارمند باشد تا نگرانیهای مربوط به دوران پیری، شیرینی زندگی و کار و فعالیت امروز را خدشه دار نکند.

### ۳-۱- نقش مدیریت کارآمد اقتصادی در ایجاد اشتغال و امنیت

امروز در چارچوب نظام حکومتی دموکراتیک، کار کردن برای شهروندان و پاسخ دادن به نیازهای آنان (بیش از هر چیز اشتغال و درآمد مطمئن و پیوسته همراه با ثبات نسبی قیمتها و آرامش و امنیت جان و مال) عامل اصلی و کلید پابرجا ماندن دولتها به شمار می رود. از این رو همه احزاب و گروهها چه موافق و چه مخالف در هر حکومت می کوشند بهترین مغزها و بهترین مدیران و با تجربه ترین کسان را برای پذیرفتن مسئولیت تعیین و گاه حتی پیش از انتخابات، همکاران خود را به جامعه معرفی کنند و بر پایه احترام اجتماعی و کاردانی آنان رأی به دست آورند. در میان کشورها جنگ مغزها، تجربه ها و مدیریت ها جریان دارد. بررسی های انجام شده نشان می دهد که هر چه اصول آزادی، رقابت و مشارکت و شایسته سالاری، بیشتر در يك جامعه نهادینه تر باشد، توانایی آن جامعه برای جذب انسانها، سرمایه ها، مغزها و نوآوری ها بیشتر و در نتیجه شتاب رشد اقتصادی و اشتغال و امنیت اجتماعی برای شهروندان بیشتر و تندتر خواهد بود. رشد و توسعه اقتصادی، بالا رفتن درآمدها و بهبود سطح اشتغال و رفاه شهروندان، برآمده از مدیریت درست امور اقتصادی است. بیشینه کردن بازده، صرفه جویی، کاهش هزینه ها و رویکرد به نیروهای حاکم بر بازار، برای بیشتر شهروندان مجال کار و تلاش و امکان بهبود مادی و معنوی فراهم می سازد. هر چند توسعه اقتصادی به

○ تولید به گونه ای گریزناپذیر بر همه مؤلفه های «ارزشی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی» هر ملت اثر می گذارد. اگر در جامعه ای تولید دچار کمبود و کاستی شود، مفاسد اجتماعی و بی امنیتی افزایش می یابد. گسترش اعتیاد، دزدی و جنایت، فحشاء و طلاق در سایه فشارهای مالی و فقر مادی، احتکار، تن آسایی گروههای مافیایی دخیل در نظام توزیع کالاها، خشونت گرایی، نظم گریزی، قانون گریزی، فساد مالی دستگاه اجرایی، افسردگی مزمن بویژه در میان جوان، افزایش آمار خودکشی، گسترش بی تفاوتی در برابر مسایل سیاسی، ناآرامیهای اجتماعی ... از پیامدهای کمبود تولید و افزایش نرخ بیکاری است.

توسعه و اشتغال و امنیت اجتماعی آنها دارد.

### ۲-۱- نقش تولید در ایجاد اشتغال و امنیت اجتماعی

ریشه و خمیرمایه هر گونه امنیت، شکوفایی اقتصاد و رشد تولید است که تنها در پرتو امنیت اقتصادی و تشویق و توسعه سرمایه گذاری به دست می آید. نخستین وظیفه هر دولت، اولویت دادن به تولید است و این تنها راه پاسخ گویی به نیازهاست. تولید به گونه ای گریزناپذیر بر همه مؤلفه های «ارزشی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی» هر ملت اثر می گذارد. اگر در جامعه ای تولید دچار کمبود و کاستی شود، مفاسد اجتماعی و بی امنیتی افزایش می یابد. گسترش اعتیاد، دزدی و جنایت، فحشاء و طلاق در سایه فشارهای مالی و فقر مادی، احتکار، تن آسایی گروههای مافیایی دخیل در نظام توزیع کالاها، خشونت گرایی، نظم گریزی، قانون گریزی، فساد مالی دستگاه اجرایی، افسردگی مزمن بویژه در میان جوان، افزایش آمار خودکشی، گسترش بی تفاوتی در برابر مسایل سیاسی، ناآرامیهای اجتماعی

کسانی که هر فرد شاغل باید زندگیشان را تأمین کند (۴/۲ نفر)، فشاری است که از پایین بودن ضریب اشتغال پدید می‌آید. (جدول ۲)

در يك اقتصاد شكوفا و فعال، بار تكفل نژديك به ۲ است، یعنی از هر دو تن در کشور يك تن کار دارد. در ۱۳۷۸ هر چند شمار بیکاران رسمی ۲/۳ میلیون تن یا نژديك به ۱۳ درصد گزارش شده است ولی این رقم در سایه به‌شمار آورده نشدن همه زنان خانه‌دار و بیکاران ناامید شده از پیدا کردن کار به دست آمده است و شاغلان نیز در برگیرنده کسانی است که دستکم دو روز در هفته کار کرده و مزد دریافت داشته‌اند. افزایش جمعیت در سن کار از نخستین سال‌های دهه ۱۳۷۰ (نرخ رشد بالای ۴ درصد در سال) مربوط به سیاست‌های جمعیتی در سالهای ۱۳۵۷-۶۳ است که رشد جمعیت نژديك به ۴ درصدی در آن سال‌ها را پدید آورد و در نتیجه با تشویق زاد و ولد، نژديك به ۱۶/۸ میلیون تن جمعیت بیشتر به وجود آورد که امروز با مشکل بزرگ تأمین نیازها و اشتغال آنان رو به‌رو هستیم. (رشیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۶)

## ۲- تحولات فرهنگی - اجتماعی و امنیت اجتماعی

امنیت برآمده از تعادل میان مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد که در آن شهروندان احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی،

### ○ در يك اقتصاد شكوفا و فعال، بار تكفل

نژديك به ۲ است، یعنی از هر دو تن در کشور يك تن کار دارد. در ۱۳۷۸ هر چند شمار بیکاران رسمی ۲/۳ میلیون تن یا نژديك به ۱۳ درصد گزارش شده است ولی این رقم در سایه به‌شمار آورده نشدن همه زنان خانه‌دار و بیکاران ناامید شده از پیدا کردن کار به دست آمده است و شاغلان نیز در برگیرنده کسانی است که دستکم دو روز در هفته کار کرده و مزد دریافت داشته‌اند.

معنای از میان رفتن مفاسد اجتماعی و انحرافات روحی و اخلاقی و افزایش امنیت اجتماعی شهروندان نیست، ولی جامعه ثروتمند می‌تواند برای از میان برداشتن بی‌عدالتی‌ها و ناامنی‌ها و مفاسد اجتماعی سرمایه‌گذاری کند. هدف اصلی وزارت کشور عبارت است از: حفظ امنیت و آسایش عمومی و گسترش دموکراسی و هماهنگ ساختن فعالیت سازمانهای دولتی و ملی و محلی در سراسر کشور و فراهم آوردن شرایط و موجباتی که بر پایه آن اجرای سیاستهای عمومی دولت در جهت رشد و توسعه اقتصاد ملی و رفاه اجتماعی امکان‌پذیر گردد (سازمان امور استخدامی، ۲۷، ۱۳۶۹). میانگین رشد سالانه اقتصادی ایران در دوران پس از انقلاب نژديك به ۱/۲ درصد بوده است، یعنی تولید ناخالص داخلی کشور از ۱۱/۹۳۹ هزار میلیارد ریال در ۱۳۵۶ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ به ۱۷/۴۵۵ هزار میلیارد ریال در ۱۳۷۸ رسیده است. جمعیت کشور در همین دوره از ۳۶/۸ میلیون به ۶۴/۶ میلیون تن افزایش یافته و در نتیجه میانگین درآمد سرانه هر ایرانی دستکم ۳۰ درصد کمتر شده است. این رشد اقتصادی اندک، در سنجش با امکانات مالی فراوان، پرسش‌های بسیار در رابطه با مدیریت اقتصاد مطرح می‌سازد. آشفتگی‌ها در نخستین سالهای پس از انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی آمریکا در مورد ایران ممکن است از عوامل ضعف اقتصادی کشور شمرده شود، ولی امروز با گذشت نژديك به دو دهه از جنگ، اقتصاد ایران هنوز گرفتار همان مشکلات یعنی بیکاری (نبود اشتغال کامل) و رشد اقتصادی اندک و وابستگی سخت به درآمد نفت، و راکد ماندن صادرات غیرنفتی و نیاز به وارد کردن مواد خوراکی است. رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بسیار کندتر از رشد جمعیت است که در سالهای گذشته دو برابر شده است. از دیگر ویژگی‌های اقتصاد ایران در این دوران، ناتوانی آن در ایجاد اشتغال کافی در سنجش با رشد نیروی کار بوده است. (جدول ۱)

در ۱۳۵۵، جمعیت در سن کار ۲۲/۳ میلیون تن بوده است که ۸/۸ میلیون تن از آنان کار داشته‌اند و ۱۳/۲ میلیون تن جمعیت فعال به‌شمار می‌آمده‌اند. در ۱۳۷۸، جمعیت در سن کار به ۴۰/۸ میلیون تن افزایش یافته است. در همین سال از جمعیت در سن کار تنها ۱۵/۲ میلیون تن شاغل بوده‌اند که نرخ فعالیت ۲۷/۵ درصد و ضریب اشتغال ۲۳ درصد را نشان می‌دهد. بالا بودن بار تکفل، یعنی شمار

قوانین ماهوی و نیز قوانین شکلی مانند آیین دادرسی مدنی و سازمان قضایی چنان در کنار هم قرار گرفته‌اند و مجموعه کارآمدی درست کرده‌اند که احقاق حقوق اشخاص و اجرای عدالت امکان‌پذیر باشد؟ برای برپایی نظم اجتماعی، دستگاه قضایی مناسب لازم است تا هر جا و از سوی هر کس که مقررات و قوانین نقض شود و به نظم عمومی آسیب رسد، دستگاه قضایی با کارکرد خود این خدشه و آسیب به نظم عمومی را برطرف سازد. نقض مقررات، امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازد. بنابراین برخورد سریع، عادلانه و عالمانه با قانون‌شکنان و گریزندگان از تعهدات قانونی در جامعه احساس امنیت پدید می‌آورد. ریشه و خمیرمایه هر گونه امنیت، شکوفایی اقتصادی و رشد تولید است که تنها در پرتو امنیت اقتصادی و تشویق و افزایش سرمایه‌گذاری به دست می‌آید.

قضایی و نظامی است. اما امنیت قضایی مهم‌ترین شرط برخورداری از مواهب زندگی از جمله مواهب اقتصادی و مادی است و سبب می‌شود که جامعه در یک فضای اجتماعی مساعد احساس امنیت کند. از ابزارهای استقرار امنیت قضایی، دستگاه قضایی و قوانین و مقررات قضایی است. اگر دستگاه قضایی و کارکرد آن کارآمد و منظم باشد، آثار کارکرد دستگاه قضایی مناسبات اجتماعی مردمان را به گونه‌ای استقرار می‌بخشد که امنیت قضایی برای آنان به دست می‌آید؛ یعنی امنیت قضایی نتیجه و برآمده از نظم قضایی است. نظم قضایی در صورتی وجود دارد که هماهنگی لازم میان مجموعه قوانین قضایی و سازمان قضایی در جهت رسیدن به عدالت قضایی و احقاق حقوق همگان برقرار باشد (اصل ۱۵۶ قانون اساسی). از این رو نخستین پرسش در مورد امنیت اجتماعی و ملی این است که آیا امروز

جدول (۱): تحولات ساختار جمعیت و اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۷۸-۱۳۳۵ (هزار نفر - درصد)

سال	جمعیت کل	جمعیت ۱۰ ساله به بالا	جمعیت غیرفعال	جمعیت فعال	شاغل	بیکار	نرخ فعالیت	ضریب اشتغال
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	۱۲۷۸۴	۶۷۱۷	۶۰۶۷	۵۹۰۸	۱۵۹	۳۲/۰	۳۱/۲
۱۳۴۵	۲۵۰۷۹	۱۷۰۰۰	۹۱۵۸	۷۸۴۲	۷۱۱۶	۷۲۶	۳۱/۳	۲۸/۴
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۲۳۰۰۲	۱۳۲۰۶	۹۷۹۶	۸۷۹۹	۹۹۷	۲۹/۱	۲۶/۱
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۳۲۸۷۴	۲۰۰۵۴	۱۲۸۲۰	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۲۵/۹	۲۲/۳
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۴۵۴۰۱	۲۹۳۷۴	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۲	۱۴۵۶	۲۶/۷	۲۴/۳
۱۳۷۸	۶۲۸۰۰	۵۰۵۰۰	۴۵۵۰۰	۱۷۹۰۰	۱۵۲۰۰	۲۳۰۰	۲۷/۵	۲۳/۹

مأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و سالنامه آماری ۱۳۷۸ کل کشور

جدول (۲): تحولات ساختار خانوار، بار تکفل، افزایش اشتغال، افزایش جمعیت غیرفعال

سال	جمعیت زیر ۱۰ سال	افزایش جمعیت غیرفعال نسبت به دوره گذشته	بار خانوار	بار تکفل	افزایش اشتغال نسبت به دوره گذشته	افزایش اشتغال سالانه (هزار نفر)
۱۳۳۵	۱۶۷۱	-	۴/۷۵	۳/۲۰	-	-
۱۳۴۵	۸۰۷۹	۲۴۴۱	۴/۹۹	۳/۵۲	۱۲۰/۸	۱۲۰/۸
۱۳۵۵	۱۰۷۰۷	۴۰۴۸	۵/۲۰	۳/۸۳	۱۶۸/۳	۱۶۸/۳
۱۳۶۵	۱۶۵۷۱	۶۸۴۸	۵/۱۱	۴/۴۹	۳۱۰/۳	۳۱۰/۳
۱۳۶۵	۱۴۶۵۴	۹۳۲۰	۴/۸۵	۴/۱۲	۳۵۷	۳۵۷۰
۱۳۷۸	۱۲۳۰۰	۱۶۱۲۶	۴/۲۰	۴/۱۹	۱۴۳	۴۲۸

مأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۷۵ و سالنامه آماری ۱۳۷۸ کل کشور

○ امنیت برآمده از تعادل میان مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد که در آن شهروندان احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و نظامی است. اما امنیت قضایی مهم‌ترین شرط بر خورداری از مواهب زندگی از جمله مواهب اقتصادی و مادی است و سبب می‌شود که جامعه در يك فضای اجتماعی مساعد احساس امنیت کند.

کلی مانند حقوق دیگران، عدالت، آزادی، تسامح و دیگر فضایل انسانی بمانند. (همان، ص ۲۰۵)

## ۲-۲- عدالت اجتماعی و فرایند آن در جامعه

عدالت اجتماعی در فرایند تلاش انسان برای ایجاد تعادل میان نیازها و خواسته‌های وی و امکانات بالفعل و بالقوه در جامعه و محیط زیست پدید می‌آید. به سخن دیگر، عدالت در واکنش به رابطه نامتعادل میان نیازها و خواسته‌های انسان از يك سو و امکانات موجود از سوی دیگر پدید می‌آید. از آنجا که امکانات در جامعه انسانی، به علت کاربرد نابه‌جا یا در واقع به علت شکل‌گیری روابط اجتماعی نادرست به گونه دلخواه و عادلانه توزیع نمی‌شود، عدالت نیز در جامعه انسانی به اشکال گوناگون پدیدار می‌گردد. (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۵۵)

به هم پیوستگی کشورها و به تعبیری کوچک شدن جهان نو از راه نظام اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، از عوامل بنیادی نابرابری‌های جهانی شناخته می‌شود، زیرا در جهان امروز ۲۰ درصد مردمان نزدیک به ۸۳ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند. پس زمان آن فرا رسیده است که با ورود تحلیل‌های نو در اقتصاد سیاسی، جغرافیا، متعهد به پذیرش عدالت اجتماعی گردد. (شکویی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲)

اندیشمندان در روزگار ما درباره عدالت اجتماعی چنین می‌گویند: در پیرامون جامعه‌مان، به برابری‌های ژرف در

بررسی علمی و کارشناسانه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جامعه را با چالش‌های سیاسی و امنیتی روبه‌رو می‌سازد، نشان می‌دهد که کم توجهی به اولویت‌های واقعی بر پایه نیازهای جامعه به صورت تطبیقی و رفتارها و دیدگاه‌های مقطعی و شخصی، از يك سو به گرفته شدن تصمیمات نامناسب و از سوی دیگر به انتصاب کسانی بی‌توجه به اصول علم مدیریت و نظام شایسته‌سالاری می‌انجامد. رشد اقتصادی و توسعه در همه زمینه‌ها، کلید پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده شهروندان بویژه جوانان جوای کار است. رشد اقتصادی از راه تزریق سرمایه و تکنولوژی به جامعه به دست می‌آید که به کمک مدیران کارآمد و شایسته، در فضای برخوردار از امنیت اجتماعی-قضایی-سیاسی انجام می‌گیرد. اعتقاد به جامعه‌مدنی، مردم‌سالاری، رقابت، شایسته‌سالاری و... مهمترین عامل ایجاد هر گونه امنیت در جامعه است. تنها يك جامعه مؤلّد و دارای رشد اقتصادی درونی می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در مقیاس جهانی منابع خود را به کار گیرد و تنها راه استقرار امنیت اقتصادی، استقرار امنیت قضایی و حاکمیت قانون برآمده از خواست شهروندان است. (رشیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴)

## ۲-۱- مفاهیم عدالت و امنیت اجتماعی

از عدالت، مفاهیم و تعاریف گوناگون به دست داده شده است ولی بی‌گمان همه این تعاریف و مفاهیم يك معنی را می‌گیرند، و آن برابری حقوق شهروندان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه است. به تعبیری، عدالت یعنی اینکه در مسئولیت‌های اجتماعی هر کس در جای شایسته خود قرار گیرد و روابط، به جای شایستگی، معیار تعیین و گزینش متصدیان امور نشود؛ عدالت، یعنی حفظ حرمت حریم خصوصی شهروندان و فردیت آنها؛ عدالت، یعنی تأمین آزادی همگان در همه زمینه‌ها؛ آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، امنیت و... به سخن دیگر، عدالت یعنی همه چیزهای لازم برای حیات انسان. (مظاهری سیف، ۱۳۷۹، ص ۲۰۴)

از دیگر مسائل مهمی که در هر جامعه مطرح است امنیت است. اگر بتوانیم ارزش‌ها را در جامعه زنده نگهداریم و اجازه ندهیم غبار فراموشی بر آنها بنشیند، به امنیت دست خواهیم یافت. بنابراین مهمترین اصل در این زمینه این است که شهروندان و مسئولان همواره معتقد و پایبند به ارزش‌های

نیازهای اجتماعی و برقراری دوستی و برادری میان آنها و میان نهادها و سازمانها در سطح جهانی وجود دارد و با چشم‌پوشی از برخی ویژگی‌های هر یک از دیدگاهها، می‌توان به مفهوم مشترکی از عدالت اجتماعی دست یافت و آنرا تفسیر و تبیین کرد (موسوی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷)

پس در تعریف عدالت اجتماعی در جوامع گوناگون باید گفت:

هر جامعه که بتواند زمینه مساعدی برای تحقق فضای مسالمت آمیز و صمیمی پدید آورد که در چارچوب آن مردمان به اهداف انسانی خود چون رفاه و امنیت و بهداشت برسند و به حقوق از دست رفته خود دست یابند و احترام و حیثیت انسانی‌شان در پرتو اعتلای فرهنگ و بهبود روابطشان در پرتو قوانین پذیرفته شده تحقق یابد و در امنیت کامل کسی به کسی آزاری نرساند، عدالت اجتماعی در آن به خوبی تفسیر شده و به کار گرفته شده است.

طراحی سیمای جامعه و ترسیم تضادهای موجود با زیربنایهای اجتماعی و جغرافیایی از وظایف روشنفکران است، که با در نظر گرفتن طبقات اجتماعی، ویژگیهای زندگی اجتماعی را در یابند و پژوهش را از زندگی فردی آغاز کنند و با آزمون زندگی اجتماعی پایان دهند (فرید، ۱۳۷۰، ص ۲۰۹).

### ۳- مکاتب گوناگون عدالت اجتماعی

#### ۱-۳- عدالت اجتماعی و ناسیونالیسم

ناسیونالیسم اگر تنها به معنای میهن دوستی گرفته شود، همان مفهومی است که می‌توان از آن در راه پاسداری از استقلال و دفع تجاوز و رفع سلطه بیگانه و نفی هر گونه خودکامگی، استکبار و چشم‌داشت‌های استعمارگران بهره گرفت؛ و به این معنا ابزاری است در برابر گستاخی‌های امپریالیسم و عاملی مؤثر در تحقق یافتن عدالت اجتماعی. در ناسیونالیسم غربی، اراده ملی با پشتوانه سنتها و آداب قومی مانند یک تجربه تاریخی، بسیار برجسته است و تا جایی گسترش یافته که زمینه‌ساز فاجعه‌های بزرگی چون جنگهای جهانی اول و دوم شده است. (موسوی، ۱۸۵، ۱۳۸۰)

#### ۲-۳- عدالت اجتماعی و لیبرالیسم

در نظام‌های توحیدی، لزوم تأمین نیازهای فردی و

○ از عدالت، مفاهیم و تعاریف گوناگون به دست داده شده است ولی بی‌گمان همه این تعاریف و مفاهیم یک معنی را پی می‌گیرند، و آن برابری حقوق شهروندان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه است. به تعبیری، عدالت یعنی اینکه در مسئولیت‌های اجتماعی هر کس در جای شایسته خود قرار گیرد و روابط، به جای شایستگی، معیار تعیین و گزینش متصدیان امور نشود؛ عدالت، یعنی حفظ حرمت حریم خصوصی شهروندان و فردیت آنها؛ عدالت، یعنی تأمین آزادی همگان در همه زمینه‌ها: آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، امنیت و... به سخن دیگر، عدالت یعنی تأمین همه چیزهای لازم برای حیات انسان.

زمینه قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و برخوردار از منابع اقتصادی برمی‌خوریم. عدالت اجتماعی، به معنای کاهش این نابرابری‌هاست به گونه‌ای که در یک فرایند، به بازگشت برابری‌ها بینجامد (اسمیت، ۱۹۹۴، صص ۱۵۳ و ۱۱۸).

یکی از مهمترین اهداف حقوقی و اصیل ترین مبانی حرکت‌های اجتماعی و مؤثرترین انگیزه نهضت‌های اصلاحی که در طول تاریخ مورد توجه همه نظام‌های سیاسی، حقوقی و اصلاحی جهان قرار گرفته و بر آن تأکید بسیار شده، اصل عدالت است. اصل عدالت در یونان باستان و روم و در میان رواقیان و دیگر فلاسفه، مورد توجه بوده و درباره آن بحث‌هایی دامنه‌دار انجام گرفته است. در مکتب ایدالیسم کانت و حتی در بسیاری از مکاتب پوزیتیویستی درباره اهمیت اجرای این اصل، بحث‌های فراوان شده و هر یک در راه تحقق آن تلاش‌های بسیار کرده‌اند. با بررسی پاره‌ای از مکاتب شرق و غرب و دیدگاه‌های متفاوت آنها روشن می‌شود که با وجود اختلاف دیدگاهها، زمینه‌های مشترکی برای زندگی مسالمت آمیز انسانها، تأمین حقوق و

## ۵- فرایند شکل گیری بی عدالتی در جوامع

عدالت اجتماعی، مفهومی هنجاری است و به همین سبب تاکنون چندان در روش های تحلیل جغرافیایی به کار گرفته نشده است. مفهوم عدالت اجتماعی به طور کلی بدان اندازه فراگیر نیست که بتوان در چارچوب آن درباره يك اجتماع خوب دأوری کرد. عدالت را در اصل می توان بعنوان مجموعه ای از اصول در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد پدید آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد این اصول به گونه ویژه است. برای چیره شدن بر تعارضاتی که لازمه همکاری اجتماعی برای پیشرفت جامعه است، تولید را می توان از راه تقسیم کار افزایش داد، اما بر آینه تولید چگونه میان کسانی که در فرایند تولید شرکت کرده اند توزیع می شود؟ ما در پی یافتن ملاک هایی هستیم که به کمک آن بتوانیم چگونگی تأثیر توزیع در آمد بر افراد، گروه ها، سازمانها و مناطق گوناگون را ارزشیابی کنیم. شوربختانه اصولی از عدالت اجتماعی که مورد پذیرش همگان باشد وجود ندارد، اما به هر رو مفهوم

○ پیدایش بی عدالتی بر خاسته از کار کرد «ساختار ناموزون نظام اجتماعی» است.

ساختار ناموزون نظام اجتماعی نیز از چپستی و کار کرد ساختار درونی و بیرونی عناصر بنیادین تشکیل دهنده نظام اجتماعی مایه می گیرد. در درون نظام اجتماعی، عناصر گوناگون با ساختار و کار کردهای گوناگون وجود دارد، اما شالوده نظام اجتماعی بر پنج عنصر همراه با مؤلفه های مربوط استوار است:

الف- عناصر و مؤلفه های زیست محیطی؛

ب- عناصر و مؤلفه های جمعیتی؛ پ- عناصر و مؤلفه های معیشتی- اقتصادی؛ ت- عناصر و مؤلفه های فرهنگی؛ ث- عناصر و مؤلفه های سیاسی.

اجتماعی انسان بیش از هر نظام دیگر پذیرفته شده و مورد تأکید است و در چارچوب آن، دموکراسی به معنی نظامی همخوان با خواست مردمان در سرزمین های اسلامی خواهد بود. عدالت اجتماعی از دیدگاه دموکراتیک غربی، از آنجا که نمی تواند مصالح درونی انسانها و جوامع را دریابد، در عمل خلاف عدالت است و از آنجا که ناشناخته و ناخواسته، انسانها و جوامع را به سوی مفساد اجتماعی می راند، گونه ای بی عدالتی نسبت به انسانیت شمرده می شود. (همان، ۱۸۵)

## ۳-۳- عدالت اجتماعی و سوسیالیسم

اگر سوسیالیسم بر پایه نظارت درست دولت، تعدیل ثروت، مسئولیت متقابل و جمعی در تأمین و تضمین شرافتمندانه زندگی همه شهروندان استوار باشد، می تواند راهی به سوی عدالت اجتماعی و آسایش عمومی بگشاید. هنگامی که سوسیالیسم می خواهد در عمل پیاده شود، حقوق و آزادی های فردی در عمل پایمال می شود و با بهادادن بیش از اندازه به نیروهای جمعی و تکیه بر نظام اجتماعی دولتی، خواستهای فردی و نیازهای کسانی که باید پایه های جامعه را تقویت کنند مورد بی مهری قرار می گیرد و نیروی ابتکار و روحیه نوآوری و تلاش های فردی سستی می گیرد. (همان، ۱۸۶)

## ۴-۳- عدالت اجتماعی و اسلام

هدف عدالت اجتماعی در اسلام، تأمین ابعاد گوناگون مادی و معنوی نیازمندی های انسان در سیر تکاملی او تا رسیدن به آرمانهای متعالی است. زمامدار اسلامی وظیفه دارد این خواسته ها و نیازهای مادی و معنوی شهروندان را برآورده سازد. روشن است با این دیدگاه، هر نظامی که نخواهد یا نتواند این تعهدها را نسبت به ملت انجام دهد، از نظر اجرای عدالت اجتماعی مقصر شناخته شده و حقوق ملت را پایمال کرده است. گذشته از آن رهبران جامعه از آنجا که حکومت خود را از آرای ملت و همراهی آنان از راه حضور در صحنه و همکاری و از خودگذشتگی و... دارند، نسبت به رهبران ذی حق می شوند. بنابراین همه مردمان علت فاعلی پست و مقام رهبران و کارگزاران به شمار می آیند. از این رو، توجه به آنها و بویژه به توده های محروم و رسیدگی به مشکلات و شکایاتشان وظیفه ای چون و چرای رهبران جامعه است. (همان، ۱۸۷)



کارکرد ساختاری و هنجاری این مؤلفه‌ها چیستی نظام اجتماعی و سرانجام ماهیت عدالت اجتماعی را روشن می‌سازد. در واقع، جوامع امروزی با دارا بودن ساختارهای ناموزون در درون خود، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی ناعادلانه هستند. این وضع و نارسایی، زمینه را برای ایجاد روابط اجتماعی ناعادلانه میان جوامع فراهم می‌کند. (سینف الهی، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

#### ۱- آثار و پیامدهای بی‌عدالتی اجتماعی

هر چند بی‌عدالتی با سرشت و خوی و چیستی انسان و با اهداف جامعه انسانی سازگاری ندارد، ولی جامعه‌ای نیست که عدالت اجتماعی به گونه مطلق در آن پدید آمده باشد. از این روی بی‌عدالتی‌ها، ستیزها، برخوردها، ناامنی‌ها و مسایل گوناگون اجتماعی در هر جامعه، پدیده‌ای ذاتی و همیشگی به نظر می‌آید. چنین نموده‌ها، در گفتمان‌ها و نوشتارها زمینه را برای تحلیل‌ها، برداشت‌های ذهنی و رهنمودهای نادرست و غیر واقع‌بینانه فراهم ساخته است. در واقع، می‌توان گفت که وجود دیدگاهها و تبیین‌های متفاوت و گاه متعارض در جامعه بیشتر از همین نموده‌ها سرچشمه می‌گیرد.

#### ۲- جامعه ایران، عدالت و امنیت اجتماعی

در زمینه تاریخ تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران، دیدگاههای گوناگونی از سوی اندیشمندان ایرانی و خارجی مانند منتسکیو، مارکس، ماکس وبر، لمپتن، احمد اشرف، محمدعلی کاتوزیان و دیگر جامعه‌شناسان و اندیشمندان در رشته علوم اجتماعی مطرح شده است، اما درباره جایگاه ایران از بعد مسائل اجتماعی (عدالت و امنیت، اشتغال و...) در میان کشورها، به بررسیهای ژرف و فراگیر بیشتری نیاز است. بر سر هم می‌توان گفت که جامعه ایران، جامعه‌ای است:

۱- در حال گذر از مراحل شبانی و کشاورزی به جامعه صنعتی و فراصنعتی.

۲- دست‌اندر کار توسعه ناپایدار و ناموزون.

۳- با امکانات فراوان بالقوه و بالفعل.

۴- گرفتار پیامدهای توسعه ناپایدار و ناموزون مانند:

الف- بیکاری؛ ب- آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛ پ- آسیب‌پذیری اقتصادی؛ ت- افسردگی و احساس ستم‌دیدگی (بی‌عدالتی)؛ ث- گسترش اعتیاد و

عدالت اجتماعی همواره در فلسفه اجتماعی از دوران ارسطو به این سو مطرح بوده است. (هاروی، ۱۳۷۶، صص ۹۵ و ۹۷) بر سر هم فرایند پیدایش بی‌عدالتی برخاسته از کارکرد «ساختار ناموزون نظام اجتماعی» است. ساختار ناموزون نظام اجتماعی نیز از چیستی و کارکرد ساختار درونی و بیرونی عناصر بنیادین تشکیل دهنده نظام اجتماعی مایه می‌گیرد. در درون نظام اجتماعی، عناصر گوناگون با ساختار و کارکردهای گوناگون وجود دارد، اما شالوده نظام اجتماعی بر پنج عنصر همراه با مؤلفه‌های مربوط استوار است:

الف- عناصر و مؤلفه‌های زیست محیطی؛ ب- عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی؛ پ- عناصر و مؤلفه‌های معیشتی- اقتصادی؛ ت- عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی؛ ث- عناصر و مؤلفه‌های سیاسی.

#### ○ عناصر بنیادین جامعه ایران به علت

ناموزونی درونی خود از یک سو و ترکیب ناهمگون و غیر سیستمی از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری گونه‌ای نظام اجتماعی شده است که زمینه‌ساز بی‌عدالتی، تنش، ناامنی، بیکاری، رشد سرسام‌آور جمعیت بی‌امکانات لازم، مهاجرت‌های داخلی و خارجی، کمبود مسکن، گسترش اعتیاد، قاچاق کالا، اختلاس، بی‌اعتمادی، بی‌توجهی به نظارت و مقررات اجتماعی، افزایش نابرابری‌های اقتصادی، آلودگی محیط زیست، فقر فرهنگی، بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان، کندی و رخوت نظام اداری، وجود اندیشه‌های متعارض فرهنگی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌شکنی و روگردانی از تولید است.

○ امروزه قدرت واقعی که بتواند امنیت ساز و تأمین کننده باشد تنها هنگامی محقق می شود که گذشته از متناسب بودن جمعیت با گستره کشور، جامعه دارای اشتغال کامل بوده و عدالت اجتماعی بر آن حاکم و نیروی انسانی آن از مهارت، آموزش و رشد فکری برخوردار باشد. بی سوادی نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت ۶ ساله به بالا، مهاجرت های لجام گسیخته و بی درپی جوانان روستایی به شهرها، مشکلات کاربایی و سکونت و آموزشی و... جوانی جمعیت و اینکه نزدیک به ۵۰ درصد کل جمعیت زیر ۲۰ سال کشور مصرف کننده اند و بار تکفل جمعیت فعال را سنگین تر می کنند و بویژه گرایش شهرنشینان و مهاجران روستایی (تأیید از ۵۰ درصد) به مشاغل کاذب و حاشیه ای و رشد بالای جمعیت (بویژه در دهه های گذشته) و حرکت های شدید زایشی و رانشی... همگی سلامت و امنیت جامعه ایران را آسیب پذیر ساخته است.

مشکلات کاربایی و سکوتی و آموزشی و... جوانی جمعیت و اینکه نزدیک به ۵۰ درصد کل جمعیت زیر ۲۰ سال کشور مصرف کننده اند و بار تکفل جمعیت فعال را سنگین تر می کنند و بویژه گرایش شهرنشینان و مهاجران روستایی (تأیید از ۵۰ درصد) به مشاغل کاذب و حاشیه ای و رشد بالای جمعیت (بویژه در دهه های گذشته) و حرکت های شدید زایشی و رانشی... همگی سلامت و امنیت جامعه ایران را آسیب پذیر ساخته است. (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۶۹)

در کشور ما مسأله عدالت اجتماعی سالهاست که مطرح

دیگر ناهنجاریهای اجتماعی؛ ج- آفت بهره‌وری و کارایی نیروهای تولیدی؛ ج- گسیختگی در اندیشه، گفتار و کردار؛ ح- نارسایی و کاستی در زمینه اندیشه و تحلیل علمی؛ خ- ضعف و نارسایی های ژرف در زمینه مدیریت و ارتباطات میان مدیران و گروه های اجتماعی؛ د- گسیختگی های مایه گرفته از تاریخ تحولات اجتماعی؛ ذ- رشد و توسعه ناهماهنگ و ناپایدار بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ر- کاستی و نارسایی در پاسخ گویی به نیازهای بنیادین انسانی گروه های اجتماعی؛ ز- داشتن آرمان ها و انتظارات بزرگ و نظام نیافته؛ س- نارسایی و کاستی در زمینه پاگیری نهادها و سازمان های اجتماعی، سیاسی و اجرایی؛ ش- ریشه دار بودن فرهنگ خودکامگی در روابط اجتماعی؛ ص- مدیریت سیاسی یکسویه نگر؛ ض- نارسایی و کاستی در توزیع امکانات، تسهیلات و اختیارات میان افراد و گروه های اجتماعی؛ ط- فساد اداری، مالی و مدیریتی، تاریخی و ساختاری. (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۸۴)

در نتیجه می توان گفت که دستیابی به توسعه پایدار در ابعاد گوناگون اجتماعی- اقتصادی و سیاسی در ایران تنها در پرتو مدیریت شایسته، مدبرانه و هوشمندانه و جلب مشارکت اجتماعی شهروندان امکان پذیر است. در واقع، عناصر بنیادین جامعه ایران به علت ناموزونی درونی خود از یک سو و ترکیب ناهمگون و غیر سیستمی از سوی دیگر، موجب شکل گیری گونه ای نظام اجتماعی شده است که زمینه ساز بی عدالتی، تنش، ناامنی، بیکاری، رشد سرسام آور جمعیت بی امکانات لازم، مهاجرت های داخلی و خارجی، کمبود مسکن، گسترش اعتیاد، قاچاق کالا، اختلاس، بی اعتمادی، بی توجهی به نظارت و مقررات اجتماعی، افزایش نابرابری های اقتصادی، آلودگی محیط زیست، فقر فرهنگی، یز هکاری های کودکان و نوجوانان، کندی و رخوت نظام اداری، وجود اندیشه های متعارض فرهنگی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون شکنی و روگردانی از تولید است.

امروزه قدرت واقعی که بتواند امنیت ساز و تأمین کننده باشد تنها هنگامی محقق می شود که گذشته از متناسب بودن جمعیت با گستره کشور، جامعه دارای اشتغال کامل بوده و عدالت اجتماعی بر آن حاکم و نیروی انسانی آن از مهارت، آموزش و رشد فکری برخوردار باشد. بی سوادی نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت ۶ ساله به بالا، مهاجرت های لجام گسیخته و بی درپی جوانان روستایی به شهرها،

برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران، هنگامی به اهداف تعیین شده در جهت کاهش دردها و معضلات اجتماعی مانند بیکاری و بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، خواهد رسید که کار با شناخت و بررسی جامع ساختار و کارکرد نظام اجتماعی و روابط اجتماعی انجام گرفته باشد. برنامه‌ریزی برای پیشگیری از گسترش مسائل و معضلات اجتماعی و کوشش در راه زدودن آن از چهره جامعه با تحلیل و تبیین جامع و همه‌جانبه از چیستی نظام اجتماعی و کارکرد آن ممکن است.

برای آنچه گفته شد، برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی در راستای پیشگیری و کاهش مسائل و معضلات اجتماعی ایران باید بر اصول و راهکارهای راهبردی زیر استوار گردد:

- ۱- شناخت جامع از فرایند و چیستی ساختاری نظام اجتماعی ایران.
- ۲- شناخت همه‌جانبه مسائل و معضلات اجتماعی (بیکاری، ناامنی، بی‌عدالتی و...) و تحلیل علمی آنها.
- ۳- برنامه‌ریزی در سه مقطع زمانی (کوتاه مدت، میان مدت، دراز مدت) با هدف پیشگیری از گسترش مسائل اجتماعی.
- ۴- تأمین عادلانه نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی شهروندان.
- ۵- بهره‌گیری مدبرانه و مسئولانه دولت از مشارکت شهروندان و تلاش آن برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی در جهت تأمین توسعه پایدار و عدالت اجتماعی.
- ۶- تلاش در راه ساماندهی اقتصادی و گسترش تأسیسات تولیدی و اقتصادی به گونه‌ای که زمینه‌ساز روابط اجتماعی قانونمند باشد.
- ۷- به جای رویارویی با گروههای اجتماعی مخالف و فرسایش نیروهای انسانی و توانمندیهای جامعه، به ساماندهی ساختار اداری، آموزشی، فرهنگی و تولیدی جامعه پرداخته شود.
- ۸- ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی، در گرو وحدت فرماندهی پیروی از قانون، احترام به منافع جمع و پرهیز از فرقه‌گرایی است که زمینه را برای همبستگی فرهنگی و ملی آماده می‌سازد. این راهی است که باید از سطوح بالای مدیریت سیاسی آغاز شود و تا گروههای خرد جامعه ادامه یابد.
- ۹- آسان‌سازی شرایط سرمایه‌گذاری در زمینه تولید

است ولی چنین به نظر می‌آید که گرفتاری بسیاری کسان این است که هم برابری را می‌خواهند و هم آزادی را، در حالی که این دو با هم چندان سازگاری ندارند. (فولادوند، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

## ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### در زمینه برنامه‌ریزی برای اشتغال، عدالت و امنیت اجتماعی

بی‌بررسی و تحلیل ژرف و واقع‌بینانه ساختار توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، همه برنامه‌های پیش‌بینی و طراحی شده، در عمل با شکست روبه‌رو شده است و خواهد شد. بازنگری در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی و برنامه‌های پنج ساله اول و دوم و سوم و چهارم پس از انقلاب اسلامی درستی این مدعا را نشان می‌دهد.

○ بی‌بررسی و تحلیل ژرف و واقع‌بینانه ساختار توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، همه برنامه‌های پیش‌بینی و طراحی شده، در عمل با شکست روبه‌رو شده است و خواهد شد. برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران، هنگامی به اهداف تعیین شده در جهت کاهش دردها و معضلات اجتماعی مانند بیکاری و بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، خواهد رسید که کار با شناخت و بررسی جامع ساختار و کارکرد نظام اجتماعی و روابط اجتماعی انجام گرفته باشد. برنامه‌ریزی برای پیشگیری از گسترش مسائل و معضلات اجتماعی و کوشش در راه زدودن آن از چهره جامعه با تحلیل و تبیین جامع و همه‌جانبه از چیستی نظام اجتماعی و کارکرد آن ممکن است.

○ در کشور ما مسأله عدالت اجتماعی سالهاست که مطرح است ولی چنین به نظر می آید که گرفتاری بسیاری کسان این است که هم برابری را می خسرواهند و هم آزادی را، در حالی که این دو با هم چندان سازگاری ندارند.

برنامه و بودجه.

۲. پایلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۲)، جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی (از دیدگاه صاحب نظران)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳. رشیدی، علی (۱۳۷۹)، «نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۸۱ و ۱۸۲.

۴. سازمان امور استخدامی (۱۳۶۹)، دفتر تشکیلات و روشهای اداری، مجموعه اهداف، وظایف و وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی، تهران.

۵. سیف‌اللہی، سیف‌اللہ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات: مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا.

۶. شکویی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی.

۷. صرامی، حسین (۱۳۸۰)، «رابطه جمعیت با امنیت»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، انتشارات آستان قدس.

۸. فرید، بدالله (۱۳۷۰)، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.

۹. فولادوند، عزت‌اللہ (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها»، گزارش گفتگو شماره ۳، تهران.

۱۰. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۷۹)، تحقق جامعه مدنی و راههای آن، تهران، انتشارات جوانان موفق.

۱۱. موسوی، سیدجمال‌الدین (۱۳۸۰)، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۲. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، مترجمان: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، تهران انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

13. David Smith (1994). *Geography and Social Justice*. Blackwell. p.p (118, 153).

بویژه تولید کالایی (بخشهای صنعت، کشاورزی و ساختمان) از راه مقررات زدایی و بازنگری در همه قوانین و ضوابط دست‌وپاگیر.

۱۰. ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری و جلوگیری از دخالت‌های بی‌مورد و مانع‌زای نظام اداری در زمینه تولید.

۱۱. سیاستگذاری بر پایه معیارهای اقتصادی درازمدت و نه سیاسی و اداری کوتاه‌مدت که آثار زیانبار در درازمدت دارد.

۱۲. کوچک کردن دولت و رهاسازی منابع مالی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال.

۱۳. واگذاری کار تولید و بازرگانی و توزیع به بخش خصوصی.

۱۴. تلاش در راه ایجاد ثبات و امنیت و احترام به مالکیت و ثروت آفرینی.

۱۵. بازنگری در سیاستهای اعتباری و مالی و تأمین نیاز سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان و جلوگیری از به کار گرفته شدن اعتبارات نظام بانکی در پروژه‌های دیربازده و کم‌اشتغال‌زا.

۱۶. تنظیم و تدوین هر چه زودتر قانون سرمایه‌گذاری خارجی و پذیرش سرمایه (به نازگی این کار انجام پذیرفته است)، دانش فنی و مدیریت خارجی در کنار امکانات داخلی برای بازسازی سریعتر اقتصاد کشور.

۱۷. واگذاری مسئولیت به افراد کاردان و با تجربه که توانایی کار آفرینی و ایجاد اشتغال دارند.

۱۸. وضع قوانین و مقررات مشوق تولید و ضد انحصار.

۱۹. پشتیبانی از اندیشه‌های نو و کار آفرین و خرید طرحهای تازه و اعمال مالکیت خصوصی.

۲۰. پرداختن به توسعه پایدار روستاها، که موجب ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت، بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی تجدید شونده، افزایش تولید، افزایش خودآگاهی و استواری شخصیت و هویت فردی و ملی و... می‌شود؛ و گرنه، کاهش اشتغال در سطح ملی و بویژه نمود یافتن آن در شهرهای بزرگ، به بی‌هویتی، سرگردانی، افزایش جرایم و مفساد اجتماعی و... خواهد انجامید. (پایلی یزدی، ۱۳۸۲، ص ۸۳)

## منابع و مأخذ

۱. امری، لویی (۱۳۷۰)، اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه (مجموعه مقالات)، مترجم: عزیز کیاوند، تهران، انتشارات سازمان